Vol. 15, No. 1, Spring 2026, pp 63- 81

Journal of Educational and Scholastic studies

ORIGINAL RESEARCH PAPER

Analyzing teacher conflicts in the discourse of the educational system in line with the application of conflict resolution strategy

Reza Masouminezhad [*1], ***Zahra Babaei***[2], ***Rezvan Seyyed Rezaei***[3]

[1] *Assistant Prof, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran.*
[2] *Master's Degree, Education Department Teacher, Azad University, Marand, Iran.*
[3] *Bachelor of Elementary Education, Farhangian University, Tehran, Iran.*

Keywords
Teacher conflicts
educational system
conflict resolution strategy

1 .Corresponding author
r.masouminejad@cfu.ac.ir

Received: 2023/06/27
Reviewed: 2025/01/19
Accepted: 2025/02/03
Published online: 2026/01/20

ABSTRACT

Background and Objectives: Teachers are considered an efficient force in the field of education and need to work in situations where less challenges affect their transformational process. The current research was conducted with the aim of identifying the dimensions of teachers' conflicts in the structure of the educational system and providing a strategy to solve these conflicts.**Methods:** The qualitative research approach was phenomenology with an emphasis on the interpretative method. The participants were teachers working in the education management of Chaipareh city in the academic year 1401-1402, and 14 of them were studied as available sampling. In this regard, semi-structured interviews were conducted with them and sampling continued until data saturation. The researcher's self-review method, rich description and cross-case analysis were used in order to validity the data, and the parallel analysis method and regular trends in recording and writing data were used to determine the reliability of the data. The obtained data were analyzed using the 6-step process of Smith, Flowers and Larkin (2009). **Findings:** The findings of this research include 6 optional codes, 19 central codes and 133 primary codes, in which the main codes are different types of conflicts in the educational system such as structural conflicts, conflicts with students, conflicts with teachers, conflicts with parents, conflicts with schools and conflicts with itself It includes.**Conclusion:** The results show that by being aware of the dynamic nature of all kinds of teacher conflicts in the educational system, he provided the ground for their Coming up and presentation in order to improve the motivation of teachers to work in a suitable learning environment by creating a balance in the educational processes of schools.

https://pma.cfu.ac.ir DOI: 10.48310/pma.2025.14309.4128

Citation (APA): Masouminejad, R. , Babaie, Z. and Seyyed Rezaie, R. (2026). Analyzing teacher conflicts in the discourse of the educational system in line with the application of conflict resolution strategy. *Educational and Scholastic studies*, 15 (1), 63 - 81 .
https://doi.org/10.48310/pma.2025.14309.4128

واکاوی تعارضات معلمی در گفتمان نظام آموزشی در راستای کاربست راهبرد حل تعارض

مقاله پژوهشی/ مروری

***رضامعصومی‌نژاد*[*۱]، زهرا بابائی [۲] ، رضوان سیدرضائی [۳]**

۱ استادیار، گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

۲ کارشناسی ارشد، دبیر آموزش و پرورش، دانشگاه آزاد، مرند، ایران.

۳ کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

چکیده

پیشینه و اهداف: معلمان نیروی کارآمدی در حوزه آموزش تلقی می‌شوند و نیازمند فعالیت در موقعیت‌هایی هستند که چالش‌های کمتری روند تحول‌آفرینی آنها را تحت تاثیر قرار دهد. پژوهش حاضر با هدف شناسایی ابعاد تعارضات معلمان در ساختار نظام آموزشی و ارائه راهبردی برای حل این تعارضات انجام شد. **روش‌ها:** رویکرد تحقیق کیفی از نوع پدیدارشناسی با تاکید بر شیوه تفسیری بود. مشارکت‌کنندگان معلمان شاغل در مدیریت آموزش و پرورش شهرستان چاپیاره در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بودند که ۱۴ نفر از آنان به صورت نمونه‌گیری در دسترس مورد مطالعه قرار گرفتند. در این راستا مصاحبه‌های نیمه سازمان‌یافته‌ای از آنها صورت گرفت و نمونه‌گیری تا اشباع داده‌ها ادامه یافت. از روش خودبازبینی محقق، توصیف غنی و تحلیل‌های میان موردی در راستای روایی داده‌ها و از روش تحلیل موازی و روندهای منظم در ثبت و نوشتن داده‌ها برای تعیین پایایی داده‌ها استفاده شد. داده‌های به دست آمده با استفاده از فرایند ۶ مرحله ای اسمیت، فلاورز و لارکین(۲۰۰۹) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. **یافته‌ها:** یافته‌های این تحقیق ۶ کد انتخابی، ۱۹ کد محوری و ۱۳۳ کد اولیه را در برمی‌گیرد که در آن کدهای اصلی انواع مختلفی از تعارضات در نظام آموزشی مانند تعارضات ساختاری، تعارض با دانش‌آموزان، تعارض با معلمان، تعارض با اولیا، تعارض با مدرسه و تعارض با خود را شامل می‌شود. **نتیجه‌گیری:** نتایج نشان می‌دهد که با آگاهی از ماهیت پویای انواع تعارضات معلمی در نظام آموزشی، زمینه را برای مطرح شدن و ارائه آنها فراهم کرد تا با ایجاد توازن در فرایندهای آموزشی مدارس، انگیزه معلمان را برای فعالیت در محیط مناسب درسی ارتقا بخشید.

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید.

واژه‌های کلیدی

تعارضات معلمی

نظام آموزشی

راهبرد حل تعارض

۱. نویسنده مسئول

r.masouminejad@cfu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵

انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۰/۳۰

شماره صفحات: ۸۱- ۶۳

شاپا الکترونیکی: ۸۰۹۸-۲۶۴۵

DOI: 10.48310/pma.2025.14309.4128

COPYRIGHTS

©2026 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

مقدمه

آموزش و پرورش همواره نقش های بسیار مهمی را برای جامعه بر عهده می‌گیرد. بدون شک می‌توان نقش آن را از زوایای مختلف از جمله رویکردهای اجماع و تعارض آموزشی به گونه‌ای متفاوت ارزیابی کرد. رویکرد اجماع، جامعه را به عنوان یک ارگانیسم در نظر می‌گیرد و هر نهاد از این ارگانیسم کارکردهای خاصی دارد (Lauder et al, 2006؛ به نقل از Acar & Yucel Toy, 2022: 113). اثربخشی و کیفیت فرآیند آموزشی در مدارس مدرن، به سطح تعارض در گروه‌های آموزشی، و اطمینان از تعاملات در سیستم ذینفعان آموزشی بستگی دارد (Frolova et al, 2019: 513). در حقیقت، فراهم کردن فرصت یادگیری و تمرین در راستای رسیدگی به تعارض در فرایند تصمیم‌گیری جمعی از طریق رویکردهای آموزش دموکراتیک پدید می‌آید (Harell, 2020: 1).

تعارض در محیط‌های آموزشی شامل موقعیت‌هایی است که در آن تفاوت‌ها توسط افراد وابسته به هم در فرآیند دستیابی به نیازهای خود و اهداف بیان می‌شود، و زمانی به وجود می‌آید که با اختلاف بین دو یا چند نفر، نیاز به تغییر حداقل در یک نفر برای تداوم و توسعه تعامل آن‌ها داشته باشد (Ghaffar, 2019: 213). تعارض‌ها نمی‌توانند از بین بروند، زیرا آنها ذاتی انسان‌ها هستند، و بخشی جدایی‌ناپذیر از رشد اخلاقی و عاطفی آنها را شکل می‌دهند. به همین ترتیب، آنها در همه مدارس وجود دارند. در واقع، محیط آموزشی موقعیتی است که در آن تعارض هر روز خود را نشان می‌دهد و ارتباط را به عنوان نتیجه روابط بین‌فردی چندگانه فرض می‌کند که در بافت این محیط رخ می‌دهد. بنابراین، تعارض به عنوان بخشی از زندگی مدرسه دلالت بر آن دارد که معلمان باید مهارت‌هایی برای مدیریت سازنده تعارض داشته باشند (Valente et al, 2020:1).

تعارض یک پدیده انسانی ضروری و اجتناب‌ناپذیر است زیرا در جایی که تعامل انسانی وجود دارد، احتمال دوست داشتن و دوست نداشتن شخصی وجود دارد. این توافقات و اختلافات بین افراد و گروه‌ها آنها را به درگیری می‌کشاند. به عبارتی، تعارض‌ها نه سازنده هستند و نه مخرب، اما روش‌های رسیدگی، آن‌ها را مثبت یا منفی می‌کند (Molla et al, 2019:6). با این حال، محققان استدلال می‌کنند که معلمان و مدیران مدارس باید دانش کافی در مورد چگونگی آن داشته باشند تا هنگامی که تعارض رخ می‌دهد بتوانند با واکنش و مدیریت مطلوب آن، تغییرات مثبتی ایجاد کرده و اثرات منفی هر کدام را به حداقل برسانند (Olubunmi, 2014).

در سال‌های اخیر، تغییرات روزافزون بافت آموزشی مدرن باعث شده تا بر نقش معلمان و شایستگی‌هایی که انتظار می‌رود در ترکیب دانش و رابطه آن با مهارت‌های فنی داشته باشند، تاکید شود (European commission, 2017). معلمان نقش‌آفرینان کلیدی هستند که می‌توانند به طور مثبت یا منفی بر اجرای موفقیت‌آمیز تغییر محیط‌های آموزشی تأثیر بگذارند (Babajide & Smith, 2022:1). در حقیقت معلمان نقش اساسی در فرآیند آموزش و یادگیری دارند. بدون وجود معلمان متخصص و توانمند، دستیابی به اهداف آموزشی امکان‌پذیر نیست. معلمان به عنوان عوامل کلیدی آموزش و پرورش می‌توانند تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بر جامعه داشته باشند. به طور خاص، آنها با برقراری روابط نزدیک با دانش‌آموزان، تأثیر زیادی در پیشرفت‌شان دارند. با این حال معلمان در انجام کار خود با چالش‌هایی روبرو هستند (Aliakbari & Saeedi, 2022: 1). معلمان دائماً ملزم به تطبیق شیوه‌های خود و مدیریت پیچیدگی و مدیریت کلاس هستند. یکی از مسئولیت‌های اصلی آنها نه تنها در زمینه برنامه‌ریزی، آموزش برنامه‌های جدید، و سازماندهی محیط یادگیری است، بلکه از نظر مدیریت، جنبه‌های ارتباطی وظایف آموزشی (Garcia-Moya et al, 2015؛ به نقل از Mintrop et al, 2022)، رسیدگی به درگیری ها، و ترویج روابط مثبت و جو طبقاتی رضایت بخش نقش دارند (Claessens et al, 2017:478). معلمان تعارضات خود را از طریق تعادل هدف حل می‌کنند، جایی که اقدامات انجام شده برای ارضای یک هدف به فرد اجازه می‌دهد تا متعاقباً اقداماتی را برای دستیابی یک هدف متضاد دنبال کند (Hutner et al, 2020:88). هرچه تعارض مرکزی، شناختی و هیجان‌انگیز کمتر باشد و سطح حل آن بالاتر باشد، شکل‌گیری هویت حرفه‌ای در بین معلمان قوی‌تر است (Magen-Nagar & Steinberger, 2022:102).

موقعیت‌های تعارض یک واقعیت کاملاً متداول در هر سازمانی از جمله مدرسه است و شناسایی، درک و کنترل آن‌ها، عمدتاً به دلیل تأثیر آن بر عملکرد فردی و سازمانی، مورد تاکید است. در حقیقت، تعارض واقعیتی است که توسط معلمان و مدیران مدرسه باید به حداقل برسد یا رفع شود، ولی این تعارض‌ها بر کیفیت محیط یادگیری و هم‌چنین عملکرد معلم (و به طور غیرمستقیم بر عملکرد دانش‌آموزان) تأثیر می‌گذارد (Catana, 2015). تعارض بین فردی نشان‌دهنده امتناع از رضایت است که در سیستم تعامل بین افراد رخ می‌دهد (Karimova, 2015). بنابراین، این تعارضات اجتناب‌ناپذیر هستند، به ویژه زمانی که این فرآیند پویا بین افرادی که واکنش‌های عاطفی منفی را تجربه می‌کنند، اتفاق می‌افتد (Barki & Hartwick, 2004؛ به نقل از Skordoulis et al, 2020:521).

معلمان افرادی هستند که حس تعلق داشتن به محیط کار را یکی از شرایط لازم برای نشان دادن عملکرد مطلوب تلقی می‌کنند و سعی می‌کنند بتوانند معرفت و نگرش علمی را به مخاطبان خود انتقال دهند. در واقع، معلمان نیاز دارند برای افزایش بهره‌وری خود در موقعیت‌های آموزشی از لحاظ فنی و روانی در تعادل مطلوبی قرار گیرند تا بتوانند اهداف و برنامه‌هایی که برای خود ترسیم کرده‌اند و هم‌چنین انتظاراتی که از آنها دارند، را پیش ببرند. آنچه که در مدارس مشاهده می‌شود وجود چالش‌های متنوع و مستمری است که بر کارایی معلمان تاثیر می‌گذارد و شرایط آموزشی را به سمتی سوق می‌دهد که معلمان با طیف گسترده‌ای از این تعارضات در مدارس روبرو می‌شوند و توانایی و قابلیت آنها را برای اجرای برنامه‌های پیش‌بینی شده تحت تاثیر قرار می‌دهد. به عبارتی معلمان در وضعیت چندگانه‌ای از الزامات آموزشی و خواسته‌های فردی قرار می‌گیرند که کشمکش‌های بین این وضعیت باعث سوگیری معلمان به یک ذهنیت مطلق می‌شود که در آن، این دغدغه‌ها ممکن است به عنوان یک معضل حل نشده به شمار آید، بنابراین ضروری است معلمان را نسبت به شفاف‌سازی ماهیت این تعارضات و چگونگی برخورد با آنها آگاه کرد تا این نگرش ایجاد شود که وجود تعارضات جز تفکیک‌ناپذیر نظام های آموزشی است و باید کنش عاقلانه و حساب شده‌ای برای مدیریت و کنترل آنها انجام داد تا شرایط برای آموزش علمی و درست فراهم آید.

پیشینه تجربی در حوزه تعارضات معلمی شامل موارد ذیل می‌شود: یافته‌های مطالعه (Moshashaie et al, 2022) نشان می‌دهد که در عوامل موثر بر تعارض پویای معلمان شامل مولفه های سود متقابل، تمرکز بر آینده با یادگیری از گذشته، همکاری مثبت، شفاف سازی، فضا و موقعیت، طبیعی بودن، کارهای شدنی، ملاحظه کاری، توجه به نیازها و توافق سود متقابل به ترتیب بیش‌ترین بار عاملی را داشتند. یافته‌های پژوهش (Mokhtarkhan, 2021) بیانگر این است که تعارضات معلمی در ساختار آموزشی شامل فشار روحی و روانی ناشی از دانش‌آموزان، ضعف توانایی‌های مهارتی شغل معلمی، مدیران و مسئولان، فرایندهای سازمان، فشار روحی و روانی ناشی از وضعیت فیزیکی و موقعیت محیط کار، و همکاران است. نتایج پژوهش (Karimzadeh et al, 2018) بیانگر این است که با مشارکت والدین در پیشرفت تحصیلی فرزندان‌شان با تاکید بر مؤلفه‌های نظارت والدین و پیشرفت تحصیلی، همکاری والدین و فعالیت‌های مدرسه، ارتباط بین والدین و معلمان در رفتار و عملکرد دانش‌آموزان، معلمان تعارض کمتری با اولیا خواهند داشت. یافته‌های مطالعه علی اکبری و سعیدی (۲۰۲۲) نشان می‌دهد که چالش‌های اصلی معلمان در مدارس شامل کتاب‌های درسی، معلمان، فراگیران، مشکلات اجتماعی، فضاها و امکانات آموزشی، سیستم‌های آموزشی و زمینه‌های اجتماعی می‌شود. یافته‌های پژوهش (Longobardi et al, 2022) نقش مسئولیت‌پذیری معلم را در الگوسازی ارتباط بین کیفیت رابطه دانش‌آموز و معلم و رفع ناهنجاری‌های دانش‌آموزان مدرسه نشان می‌دهد. یافته‌های مطالعه (Khaled et al, 2022) نشان می‌دهد که چالش‌های معلمان در محیط‌های آموزشی مبتنی بر نیاز به تطبیق راهبردها و تکنیک‌های تدریس با شرایط جدید، نیاز به پشتیبانی فنی برای تسهیل فرآیند یاددهی-یادگیری، عدم مشارکت دانش‌آموزان در کلاس، انگیزه واقعی و ماهیت و چارچوب‌پذیری قوانین است. یافته‌های مطالعه هاتنر و همکاران (۲۰۲۲) بیانگر این است که تعارضات معلمان در مدارس به دلیل وجود اهداف آموزشی است که انتخاب کرده‌اند و تلاش برای تحقق آنها در راستای موفقیت دانش‌آموزان مورد توجه قرار می‌گیرد. یافته‌های مطالعه (Hakvoort et al, 2020) نشان می‌دهد که تعارضات معلمان

مبتنی بر سه گروه عمل اجتماعی کلاس درس، بیرون از کلاس درس و تمامی تعاملات انسانی است. نتایج پژوهش (Frolova et al, 2019) نیز بیانگر این است که بیش‌ترین احتمال موقعیت‌های تعارض در تعامل معلم و دانش‌آموز وجود دارد. هم‌چنین وقوع موقعیت‌های تعارض‌برانگیز در محیط آموزشی به تجربه کاری معلم، سبک رهبری و سطح تعامل با والدین بستگی دارد. عوامل اصلی برای بروز تعارضات منوط به محدود کردن توانایی معلم در اعمال اقدامات انضباطی مشروع، کاهش اقتدار معلم، سطح ارتباط کم محتوای مواد آموزشی، اشکال و روش‌های اجرا در سطح آموزشی است.

بنابراین تعارض ضمن این‌که باید به عنوان منبع فشار در حرفه معلمی در نظر گرفته شود، بلکه فرصتی قابل توجه برای توسعه و ارتقای مهارت‌ها، تفکر انتقادی، و رشد در سطح فردی، بین فردی و گروهی تلقی شود (Dogan, 2016). در نتیجه توجه ویژه‌ای نه تنها به توانایی معلمان برای اجتناب از درگیری، بلکه برای رسیدگی به تعارض‌ها و اتخاذ استراتژی‌های مدیریتی سازنده و خلاق بدون ایجاد اختلال در آن اهداف آموزشی و بدون تأثیر بر رابطه با دانش‌آموزان و ذینفعان و هماهنگی کلاس صورت می‌گیرد (Garcia-Moya et al, 2019). پژوهش حاضر نیز به دنبال یافتن پاسخ این سوال است که تعارضات معلمی در محیط‌های آموزشی چه ماهیت و ابعادی را شامل می‌شود و راهکارهای برخورد با آنها چه ویژگی‌هایی دارد و چه قابلیت‌هایی از طرف معلمان مورد انتظار است؟ تا حرفه معلمی بتواند بستر مناسبی برای آموزش و پرورش دانش‌آموزان فراهم آورد.

روش

مطالعه حاضر به دنبال شناسایی شاخصه‌های مربوط به تعارضات معلمی در چارچوب نظام آموزشی و ارائه راه‌حلی برای رفع این تعارضات بود. پژوهش از لحاظ هدف در حوزه پژوهش‌های کاربردی، و به لحاظ روش گردآوری داده‌ها، از نوع پژوهش کیفی با ماهیت اکتشافی است. رویکرد تحلیل کیفی دارای روش‌های متعددی برای پژوهش و بررسی پدیده‌های آموزشی است که در این مطالعه از روش پدیدارشناسی تفسیری (Smith, Flowers & Larkin, 2009) برای دستیابی مناسب به تجارب اصیل معلمان استفاده شده است. در واقع برای دستیابی به تجربه‌های زیست شده آموزشی معلمان که به صورت مستمر در محیط آموزشگاهی در معرض چالش‌ها و تعارضات مختلف هستند و سعی می‌کنند به طور مطلوبی با این تعارضات روبرو شوند و تاثیرات آنها را در روند اجرای برنامه‌های آموزشی مدیریت نمایند، کاربرد روش پدیدارشناختی به عنوان یک ضرورت تلقی شد. به عبارتی پدیدارشناسی منجر به یافتن رابطه بین عینیت و ذهنیت می‌شود که در هر لحظه از تجربه انسانی وجود دارد. تعالی به واقعیت ساده شناخت داستان‌ها یا اشیاء فیزیکی خلاصه نمی‌شود، بلکه سعی می‌کند این داستان‌ها را از منظر ارزش‌ها، هنجارها و عملکردها به طور کلی درک کند (Rizo-Pattern, 2015). مشارکت‌کنندگان پژوهش معلمان شهرستان چایپاره استان آذربایجان غربی در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بودند که ۱۴ نفر از آنها(بر اساس تجربه مستمر آموزشی و نیز تدریس در موقعیت‌های مختلف آموزشی) با روش نمونه‌گیری غیر تصادفی در دسترس انتخاب شدند. انتخاب نمونه‌های پژوهش تا زمانی که اطلاعات کاملی به دست آمد و هیچ داده جدیدی از طریق مصاحبه اضافه نشد، ادامه یافت، به عبارت دیگر داده‌ها به اشباع رسیدند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه‌هایی نیمه ساختاریافته استفاده شد، زیرا به کمک آن، ارزیابی عمیق‌تر ادراکات و نگرش‌های مشارکت‌کنندگان و نیز بررسی موضوع‌های پیچیده و پیگیری پاسخ‌های آنها امکان‌پذیر است (Sarmad et al, 2017). مصاحبه‌ها در خصوص تجارب درک شده معلمان در رابطه با مفهوم تعارض و تاثیرات آن، انواع تعارض و ماهیت آن، شیوه مدیریت تعارض و برنامه‌ریزی برای حل آن و ... انجام شد. فرایند مطرح شدن سوالات از کل به جز بود، بدین صورت که ابتدا سوالات کلی درباره موضوع پژوهش مطرح و در ادامه سوالات جزئی‌تر و دقیق‌تری متناسب با فرایند مصاحبه از مشارکت‌کنندگان پرسیده شد.

مدت مصاحبه‌ها بین ۱ الی ۲ ساعت بود و تعداد جلسات از شرکت کننده‌ای به شرکت کننده‌ی دیگر از ۱ جلسه تا ۲ جلسه متغیر بود. مصاحبه‌ها با اطلاع معلمان و از طریق برنامه پیام‌رسان ایتا بر روی گوشی موبایل ضبط شده و

بلافاصله بعد از اتمام مصاحبه، پس از چندین بار گوش دادن، متن مصاحبه‌ها روی کاغذ پیاده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و جملات و عبارت‌هایی را که نشان‌دهنده عوامل و فعالیت‌های تاثیرگذار بر ایجاد تعارضات معلمی و موقعیت‌هایی که گسترش‌دهنده تجارب مختلف بود، انتخاب شدند. جدا کردن جملات مربوط به هر مفهوم و تبدیل و تغییر شکل جملات بیان شده هر فرد به طور جداگانه از مصاحبه افراد دیگر صورت گرفت و با در نظر گرفتن وجوه و نکات مشترک، در قالب کد یا زمینه‌های اصلی سازمان‌دهی شد. در مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها، از مجموع مصاحبه‌ها ۲۲۴ مفهوم اولیه استخراج و در مراحلی بعدی به تدریج با حذف زمینه‌های مشابه و نزدیک به هم، مولفه‌ها کاهش یافته و در نهایت ۶ کد انتخابی، ۱۹ کد محوری و ۱۳۳ کد اولیه به دست آمد. در فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها از رویکرد تفسیری ۶ مرحله‌ای (Smith, Flowers & Larkin, 2009) استفاده گردید که پدیدارشناسی را به صورت گام به گام به اجرا می‌گذارد. این مراحل عبارتند از: ۱. خواندن و دوباره خواندن. ۲. یادداشت‌برداری اولیه. ۳. توسعه مضامین نمایان شده ۴. بررسی روابط میان مضامین. ۵. تحلیل موارد و یا مشارکت‌کنندهٔ بعدی و ۶. جست‌وجوی الگو و طرح در میان نتایج تحلیل نمونه‌ها. برای اطمینان از صحت و سقم و اعتبارسنجی یافته‌های به دست آمده، از تکنیک‌هایی مثل درگیری طولانی مدت و تحلیل‌های میان موردی استفاده گردید، هم‌چنین برای قابلیت اطمینان‌پذیری داده‌ها روش حسابرسی پژوهش مانند خودبازبینی محقق که دقت اطلاعات جمع‌آوری شده را مورد بررسی قرار می‌دهد، به کار گرفته شد و متعاقبا برای قدرت انتقال‌پذیری یافته‌های پژوهش از توصیف غنی داده‌ها استفاده شد تا بتوان در موقعیت‌های دیگر، عوامل و دلایلی که باعث ایجاد تعارضات معلمی می‌شود، مورد تاکید قرار داد. در ادامه برای تعیین پایایی داده‌های پژوهش از روش تحلیل موازی و روندهای منظم در ثبت و نوشتن داده‌ها استفاده گردید.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر پژوهشگر به دنبال شناسایی تعارضات معلمی در نظام آموزشی و ارائه راهکارهای مناسب برای حذف یا کاهش این تعارضات است. در این راستا یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد که معلمان در مدارس با شش نوع از تعارضات معلمی روبرو هستند که ماهیت هر کدام از تعارضات با توجه به نوع سازمانی و انسانی آنها، قابلیت‌های آموزشی معلمان را در موقعیت‌های درسی تحت تاثیر قرار می‌دهد. هم‌چنین راهبردهای جداگانه‌ای برای حل این تعارضات با تاکید بر فهم ویژگی‌ها و خصوصیات آنها در شرایط متفاوت، ارائه شده است.

سوال اول:

۱) تعارضات معلمان در مدارس چه ماهیتی دارد و ابعاد مختلف آن چه ویژگی‌هایی را شامل می‌شود؟

۱. تعارض ساختاری

جدول شماره ۱: مفاهیم استخراج شده از مضمون تعارض ساختاری

مضمون اصلی	مضامین فرعی	مفاهیم اولیه
تعارض ساختاری	استقلال‌گرایی	رهبریت برنامه‌درسی، تصمیم‌گیری، محدوده‌پذیری آموزشی، خودکفایی در اجرای برنامه‌درسی، توجه به تجارب آموزشی بومی، گستره تفکرات، مدیریت‌دهی رفتار، کنشگری
	هدف‌محوری	توسعه‌بخشی رفتارها، غنی‌سازی شغلی، اولویت‌های معلمی، رشد ایده‌ها، مساله‌شناسی برنامه‌ها، نوآوری در عمل، راهبردگزینی، موضع‌گیری آگاهانه
	نقش‌پذیری	ماهیت معلمی، کارکردهای حرفه‌ای، میزان انعطاف‌پذیری، ذهنیت تاثیرگذاری، شاخص اقدامات آموزشی، سطح‌بندی وظایف، دامنه رفتاری، جایگاه‌مداری

بررسی یافته‌های این مضمون اصلی نشان می‌دهد که قرار گرفتن معلمان در یک روند آموزشی تعریف شده و تعهد به اجرای کارکردهای آن، دغدغه‌ها و عملکرد حرفه معلمی را از منظر خود معلمان در حاشیه قرار می‌دهد و بدون توجه به چگونگی کارکرد آنها در اثربخشی فرایندهای یادگیری دانش‌آموزان، موضع سخت‌گیرانه‌تری نسبت به عکس‌العمل

معلمان در برابر الزامات و استانداردهای ساختاری اعمال می‌کند. می‌توان گفت که بـه دلیـل وجـود حاکمیـت رفتـاری تعیین شده در چارچوب برنامه‌های آموزشی، فرصت دنباله‌روی از اهداف فردی برای معلمـان در محـیط‌هـای آموزشـی کمتر مورد تاکید قرار گرفته و اولویت‌ها و دغدغه‌هایی که معلم در این جایگاه برای خـود مشـخص کـرده اسـت، مـورد غفلت قرار می‌گیرد. به عبارتی هدف‌شناسی برای معلمان ارزش ماهیتی دارد و قدرت حرفه‌ای آنها را نظام‌مند می‌سازد، بنابراین عدم توجه به تقاضاهای آموزشی معلمان، موقعیت تعـارض‌گونـه‌ای در اجـرای اهـداف نظـام آموزشـی دارد. در حقیقت، نیروی برانگیزاننده و تحقق‌بخش اهداف معلمان، فراهم کردن قدرت اختیـار و انتخـاب بـرای آنهـا در راسـتای اجرای طرح‌ها و برنامه‌هایی است که فعالیت‌های استقلال‌طلبانه و خود هدایت‌گرایانه را به دنبال دارد، بدین صورت کـه معلمان از طریق مدیریت و هـدایت اقـدامات آموزشـی خـود، قابلیـت دسـتیابی بـه اهـداف مـورد نظرشـان را دارنـد و غفلت‌پذیری از آنها، ذهنیت متناقضی در رابطه با کارکردهای نظام آموزشـی پدیـد مـی‌آورد. هـم‌چنـین وجـود چنـین شرایطی، تعریف نقش معلمی را با کارکردهای گوناگون آن تحت تاثیر قرار می‌دهد و به جای تاکید بـر رسـالت معلمـان در تحقق شاخص‌های تعریف شده برای این حرفه، نقش غیر واقعی را به آنها تحمیل می‌کنـد. بـه عبـارتی، بایـد نقـش معلمی و ابعاد مختلف آن در حوزه‌های تربیتی و آموزشی شفاف‌سازی شده و انتظاری که از این نقش می‌رود و محدوده و دامنه تاثیرگذاری آن مشخص شود تا آنها با بازتعریف نقش خود، وظایف معلمی را انجام دهند.

نمونه‌ای از متن مصاحبه

"به عنوان یه معلم باید حق اینو ندارم که تو تصمیمات مهم نقش داشته باشم، معلمی فقط تدریس نیست، ایـن کـه بیـای مدرسـه و وظیفـه‌ت آموزش باشه، این فرصت رو برا ما معلمان نمیدن که نظر خودمونو راجع به تدریس و یادگیری و هر برنامه آموزشی دیگه بگیم. من چون تجربـه این کار رو دارم باید صدامو بشنون، خب هر سال این حرفا گفته میشه که بله شما نقش مهمی در آموزش دانش‌آموزان دارین، ولی تـا بـه حـال ندیدم که نه من نه حتی اونایی که واقعا دغدغه تدریس و یادگیری رو دارن تو برنامه آموزشی دخالت کنن."

"برنامه‌ای که برای شغل معلمی دارم اکثرا مطابق پیش‌بینی هام جلو نمیره، چرا؟ چون واقعا کسی نیست که بگه ایده‌ای به عنوان یک معلـم تـو ذهنت داری یا نه. حتی تو گروه‌های معلمی یا زمانی که سرگروه‌های درسی میان بازدید آموزشی، کسـی نیسـت کـه نظـر منـو بپرسـه یـا بگـه پیشنهادات‌تون یا مشکلات‌تون را اعلام کنید."

۲. تعارض با دانش‌آموزان

جدول شماره۲: مفاهیم استخراج شده از مضمون تعارض با دانش‌آموزان

مضمون اصلی	مضامین فرعی	مفاهیم اولیه
تعـــارض بـــا دانش‌آموزان	تعامل‌پذیری	نحوه برخورد، ارتباط‌گیری با دانـش‌آمـوزان، درک واقعیـت‌هـای آموزشـی دانـش‌آمـوزان، شـناخت نیازهای فردی، حس امنیت‌دهی به کلاس، ارزشمندی دانش‌آموزان
	تدریس‌گری	روش یادگیری مطالب درسی، شیوه تبیین مفاهیم، میزان درگیـری دانـش‌آمـوزان، گسـتره کـاربرد روش‌های تدریس، دغدغه فعالیت‌های درسی
	سنجش‌پذیری	ماهیت برون‌داد آموزشی، کیفیت ارزیابی آموخته‌ها، تاکید بر چگونگی یادگیری، مقیـاس یـادگیری، الزامات تعریف شده، روند پرسش‌گری، چالش‌برانگیزی

بررسی یافته‌های این مضمون اصلی نشان می‌دهد که مخاطبان یا ذینفعان اصلی آموزش افرادی هستند که باید بـه مناسب‌ترین وجه، شرایط یادگیری را داشته باشند ولی برآورده شدن تمامی خواسته‌ها به نحـو مطلـوب، معلمـان را در تعارض نسبی با آنها قرار می‌دهد. به عبارتی معلمان به عنوان مجریان اصلی برنامه‌درسی ضمن اولویت‌بخشی بـه منـافع دانش‌آموزان، باید مسئولیت رفتار و اصول مدیریتی مدارس را نیز بپذیرند و در این راستا ممکن اسـت تضـاد منـافع بـا کلیت بخشیدن به این اولویت‌ها و اصول پدید آید. می‌توان گفت که معلمان سعی می‌کنند در درجه اول روابط متقـابلی با استانداردهای تعریف شده در کلاس درس با دانش‌آموزان برقرار کنند و بر پیوسته و پایدار بودن آنها تاکیـد نماینـد، ولی متناسب با وضعیت تحصیلی و رفتاری دانش‌آموزان ممکن است کیفیت برخورد و تعامل آنها کـم و کیـف متفـاوتی

داشته باشد و فراگیران را مجاب به این نوع رفتار ننماید، بنابراین تعریف و تعیین چگونگی رفتار با طیف‌های مختلفی از شخصیت مخاطبان آموزشی، سیالی رفتار آنها را در محیط‌های آموزشی به دنبال داشته و ذهنیت و نگرش مطلوبی از برخوردهای معلمان وجود نداشته باشد. از طرفی قابلیت معلمان در یاددهی مطالب درسی به دانش‌آموزان، متناسب با سبک تدریس‌شان، ممکن است کیفیت یادگیری و آموخته‌های فراگیران را تحت تاثیر قرار دهد و ارزیابی آنها از چگونگی تدریس معلمان، منجر به واکنش‌هایی از طرف آنها شود. در واقع معلمان به دنبال این هستند که ماهیت یادگیری دانش‌آموزان و موضوعات و مفاهیم درسی را مطابق با نوع تدریس خود هماهنگ نمایند و بسته به شرایط یادگیری، دغدغه‌های خود را در وضعیت اجرای برنامه‌ها دنبال نمایند، بدین نحو که آنچه باعث تعارض شده است برداشت معلمان از نوع تدریسی است که می‌تواند راهگشا باشد، ولی فراگیران بسته به عادات یادگیری یا نوع تبیین خود از مسائل درسی، الگوهای تدریس را تعریف نمایند. هم‌چنین راهبرد و روش‌های ارزشیابی و چگونگی استفاده از ابزارهای مختلف در صحت سنجی آموخته‌های دانش‌آموزان، محل مناقشه و بحث معلمان و یادگیرندگان محسوب می‌شود. این قوه تشخیص معلم است که برای ارزیابی میزان دستیابی به اهداف آموزشی و سنجش دقیق آن از چه نوع آزمونی استفاده نماید، بدین معنا که این جز مسئولیت‌های معلمی محسوب می‌شود که بنا به تشخیص تجربی خود، در ارزیابی دانسته‌های مخاطبان خود، آنها را در چه موقعیتی قرار دهد. بنابراین محل و فضای ارزشیابی آموخته‌های فراگیران و تعیین ملاک برای قضاوت درباره کیفیت یادگیری بسته به تجربیات معلمان و برداشت آنها از این شاخص، تعیین کننده پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است که ممکن است سبک یادگیری دانش‌آموزان را به چالش بکشد و قدرت سازگاری آنها را با این معیارها، دچار خدشه نماید، چرا که به تعداد معلمان و روش ارزشیابی آنها، ماهیت یادگیری فراگیران دچار چالش شود.

نمونه‌ای از متن مصاحبه

"محیط کلاس طوری هستش که باید بتونی رفتارت رو با دانش‌آموزان مطابقت بدی. سعی کنی اونا رو درک کنی وگرنه دائم باید باهاشون کلنجار بری و ساکت‌شون کنی، اصلا این نوع رفتار تو کلاس برات شاید سخت باشه، ولی چاره‌ای نیست باید بتونی خودتو کنترل کنی و منطقی باهاشون حرف بزنی."

" دانش‌آموزان ازت انتظار دارن طوری تدریس بکنی که دیگه لازم نباشه کلاس جبرانی یا خصوصی برن. خودم هم برام سواله که چه جوری تدریس بکنم که هم مطالب رو تو کلاس متوجه بشن و هم موقع پرسیدن درسا، بهونه نیارن. تدریس واقعا نیاز به آمادگی داره، کار هر کسی نیست تدریس بکنه."

۳. تعارض با معلمان

جدول شماره۳: مفاهیم استخراج شده از مضمون تعارض با معلمان

مضمون اصلی	مضامین فرعی	مفاهیم اولیه
تعارض با معلمان	فرهنگ معلمی	نگرش رفتاری، ارزشمندی فعالیت‌ها، هنجارهای آموزشی، باورهای آموزشی، شخصیت علمی، ماهیت الگوبودن، تصورات درسی، آماده‌سازی آموزشی، جهت‌گیری آموزشی، اهمیت دروس
	دانش معلمی	تبیین‌گری در سوژه‌های درسی، بسترهای شناختی دروس، استدلال آموزشی، ساختار معرفتی در تدریس، نوع چالش‌انگیزی، راهبردهای حل مساله، اولویت‌های تفکرگرایی در یادگیری
	عملکرد معلمی	فعالیت‌های درسی، تکالیف آموزشی، برنامه‌ریزی درسی، فرایند تدریس‌گری، رفتار آموزشی، ماهیت دغدغه‌آفرینی در آموزش، مفهوم‌پردازی در تدریس

بررسی یافته‌های این مضمون اصلی نشان می‌دهد که معلمان به دنبال ایجاد یک جهت‌گیری علمی و مبتنی بر مستند در روند اجرای آموزش هستند و سعی می‌کنند همین ذهنیت را در فضا و محیط‌های آموزشی ایجاد کنند. به عبارتی معلمان درصدد این هستند که جریان‌سازی فعالیت‌های آموزشی که مخاطبان اصلی آن دانش‌آموزان می‌باشد، مبتنی بر علاقه‌مندسازی فراگیران به سمت واقعیت‌های علمی و الزامات برخاسته از آن باشد. در این مسیر، جهان‌بینی

معلمان و برنامه پیش‌بینی شده آنها برای پیاده‌سازی ایده‌های فکری‌شان ممکن است در تعارض هم قرار گیرد و شیوه و راهبردهای گوناگونی برای محقق شدن اهداف، مورد استفاده قرار گیرد. می‌توان گفت کـه آنچـه باعـث شـکل‌گیـری و تشدید تعارض بین معلمان می‌شود در درجه اول برگرفته از نگرش و هنجارهای علمی است که معلمان برای شخصـیت معلمی ترسیم کرده‌اند و بر مبنای همین شخصیت ترسیم شده، الگوی فکری و علمی خود را به وجود می‌آورند که ایـن الگوهای متناسب با ارزش‌های موجود در تضاد با الگوهای معلمان دیگر قرار می‌گیرد و جهت‌گیری آموزشـی آنهـا را در مسیر جداگانه‌ای از همکاران خود قرار می‌دهد. به تناسب این هنجار و فرهنگ ایجاد شده از ماهیـت معلمـی، رونـد بـه کارگیری دانش علمی توسط معلمان و تشریح آن برای مخاطبان متفاوت است و معلمان نوع استدلال و تبیینی کـه در چالش‌آفرینی و ارائه راه‌حل برای مسائل آموزشی در نظر می‌گیرند، محل مناقشه بین معلمان می‌شود. بـدین معنـا کـه دغدغه‌های فکری معلمان متناسب با دانشی که به دست آورده‌اند، متنوع خواهد بود و فعالیت‌های آموزشی آنهـا را چـه در زمینه تدریس و یادگیری و چه از جنبه ارزشیابی از دانش‌آموزان تحت تاثیر قرار می‌دهـد و انتظـار متفـاوتی از نـوع فعالیت‌های معلمان در کلاس‌های درس ایجاد خواهد کرد. بنابراین می‌توان گفت که با ایجاد فرهنگ متنوعی از هویـت معلمی و رویکردهای متفاوت به آن، نوع دانش معلمـی و شـکل ارائـه آن بـه دانـش‌آمـوزان و در راسـتای آن اقـدامات آموزشی برای یادگیری مطلوب آن توسط فراگیران، محل اختلاف بین معلمان خواهد بود و این تعارضات در موضوعات مختلف درسی به دلیل نوع نگاه متفاوت آنها، همیشه وجود خواهد داشت.

نمونه‌ای از متن مصاحبه

"هرچند این گونه تصور میشه که ما معلمان با همدیگه مسائل آموزشی را حل می‌کنیم یا به همدیگه تو خیلی از مسائل کمک می‌کنـیم، ولـی اختلافات زیادی بینمون وجود داره و باعث میشه که رویه متفاوتی رو تو تدریس و آموزش دانش‌آموزان در نظر بگیریم. هرچند سعی مـی‌کنـیم توافقی هم حاصل بشه ولی این توافق به معنای یکی بودن نیست، اصلا خیلی‌هامون نگاه متفاوتی به شغل معلمی داریم."

" متفاوت بودن خوبه، بد نیست، ولی چون تجارب مون با همدیگه فرق داره، بنابراین کارامون تو کلاس درس یکسان نیست. چیزیـه کـه مهمـه اینه که رو کلیات همدیگه رو قبول داریم اونم نه صددر صد، ولی تو جزئیات و حتی تو برخی کلیات نظرمون راجع به معلم و دانش و ... زمین تـا آسمون متفاوته."

۴. تعارض با اولیا

جدول شماره۴: مفاهیم استخراج شده از مضمون تعارض با اولیا

مضمون اصلی	مضامین فرعی	مفاهیم اولیه
تعارض با اولیا	سبک دانش‌آموزپروری	اجتمـاعی‌سـازی، عـادت‌آفرینـی، علاقـه‌مندسـازی بـه مطالعـه درسـی، نگـرش‌آفرینـی علمـی، دغدغه‌آفرینی، نظم‌دهی رفتار
	تکلیف‌محوری	کاربردی‌ساختن آموزش، مکمل بودن فعالیت‌ها، معنادارسازی آموخته‌ها، بسط‌دهـی قابلیـت‌هـای فراگیران، غنی‌سازی دانش فراگیران
	آموزش‌گری	شخصیت‌معلمی، نفوذپذیری رفتـار، جهـت‌دهنـده رفتـار دانـش‌آمـوزان، قـدرت علمـی، صـلابت تصمیم‌گیری، منطق‌گرایی در عمل
	همکاری	برنامه‌ریزی برای دروس، نظارت بـر یـادگیری، گـزارش فعالیـت‌هـا، موازنـه در ارائـه فعالیـت‌هـا، بازخورددهی مداوم، پیگیری روند مطالعه دروس

بررسی یافته‌های این مضمون اصلی نشان می‌دهد که تلاش برای تسهیل اجرای برنامه‌های پیش‌بینی شده نیازمنـد هماهنگی بین عوامل اجرایی و خانواده‌های دانش‌آموزان در چارچوب نظام آموزشی است، به عبارتی مشارکت دادن اولیا در پیاده‌سازی برنامه‌ها، باید از طریق توجیه مناسب آنها و نشان دادن روند آموزش‌پذیری دانـش‌آمـوزان بـا اسـتفاده از دیدگاه‌ها و نظرات جمعی با محوریت تجارب معلمان صورت گیرد تا بتوان نسبت به رفع تعارضـات بـه وجـود آمـده در پرورش و رشد فرزندان اولیا اقدام نمود. می‌توان گفت که تعارضات اصلی بـین معلمـان و اولیـا در گـام اول مربـوط بـه رویکرد تربیتی دانش‌آموزان است که در ساختار محیط‌های آموزشی، هدف اصلی حضور دانش‌آموزان در مـدارس تلقـی

می‌شود. آنچه که می‌تواند راهگشای توجهات فراگیران به مسائل آموزشی و عادت‌بخشی آنها به فعالیت‌های درسی باشد، رشد و توسعه الگوهای رفتاری خاصی است که مدنظر خانواده‌های دانش‌آموزی است. بنابراین تنوع و تکثر دیدگاه‌های اولیا و نوع پرورش این عادات رفتاری، محل تعارض و تضاد عملکرد معلمان در مدارس محسوب می‌شود و انتظار والدین نسبت به ارتقا و غنی‌سازی کارکردهای عملی رفتار در یک مسیر مشخص شده است. به عبارتی توجه والدین به ابعاد آموزشی فعالیت‌های فرزندان که برگرفته از ویژگی‌های رفتاری مانند پشتکار داشتن و عزت نفس آنهاست، بر مبنای شخصیت علمی و نظم رفتاری است که معلمان باید آن را از خود نشان دهند، در این صورت می‌توان متصور شد شکل‌گیری خلقیات دانش‌آموزان به عنوان دغدغه اصلی والدین، مبنی بر روحیه و انگیزه تعیین شده معلمان در قالب شخصیت معلمی است که روند و روش آموزش دانش‌آموزان را مشخص می‌کند. در واقع رویارویی انتظارات اولیا با معلمان بر اساس وجود الگوی علمی مطلوب معلمان و قدرت نفوذپذیری در ساختار شناختی دانش‌آموزان از یک طرف و موردپسند بودن نحوه ایجاد عادات رفتاری مناسب در دانش‌آموزان از طریف دیگر، می‌تواند به تعامل و همکاری بیش‌تر آنها در راستای کنش آگاهانه بینجامد. نوع و ماهیت ارائه تکالیف درسی و سودمندسازی آن نیز در زندگی دانش‌آموزان با هدف توسعه مهارت‌های درسی تعارض مهمی است که نیازمند تعامل و مشارکت دوجانبه اولیا و معلمان برای اجرای هر چه بهتر آن به عنوان چالش مهم است. به طور کلی می‌توان گفت که تعارض موجود ناشی از وجود الزامات رفتاری تعریف شده در معلمان و والدین و تلاش برای دستیابی به آن صورت می‌گیرد و در این راستا دغدغه فرزندپروری با شاخص‌های رفتار مطلوب اولیا و قدرت علمی معلمان در ایجاد نگرش‌های خاص در دانش‌آموزان محل مناقشه و بحث و بررسی است.

نمونه‌ای از متن مصاحبه

"یکی از مشکلات اینه که باید اولیا رو قانع بکنی، اونا انتظاردارن فرزنداشون رو خوب آموزش بدی. انتظارشون اینه که چون بچه‌هاشونو سپردن دست ما معلمان، باید سنگ تموم بزاریم، هی ازشون درس رو بپرسیم، مراقب رفتاراشون باشیم، بهشون توجه بکنیم، والا من تو کلاس یه نفرم، فرصت زیادی ندارم هر جلسه ازشون درس رو بپرسم."

" اولیا شرایط کلاس رو به طور واقعی درک نمی‌کنن، فکر میکنن معلمان باید همه کار بکنه تو کلاس، درس بده، تربیت بکنه، باهاشون هی حرف بزنه، به مشکلاتشون گوش بکنه، دائم با خانواده‌ها در ارتباط باشه، به نظرات اولیا توجه بیش‌تری بکنه وکسی باشه که تو تصمیماتش اولیا رو تو مسائل در نظر بگیره."

۵. تعارض با مدرسه

جدول شماره۵: مفاهیم استخراج شده از مضمون تعارض با مدرسه

مضمون اصلی	مضامین فرعی	مفاهیم اولیه
تعارض با مدرسه	برنامه‌درسی	فعالیت‌های فوق برنامه، اجرای برنامه‌ها، اهداف آموزشی، محتوای درسی، معناشناسی مفاهیم درسی، چگونگی تدریس برنامه‌های آموزشی
	مدیریت‌گری	سبک مدیریت، ماهیت تعامل‌مداری، انتظارات آموزشی، حساسیت زمانی، اولویت‌های مدیریتی، نیازهای مدرسه، روش‌های انگیزه‌بخشی به معلمان
	فرهنگ سازمانی	کارکردمحوری، مسئولیت‌شناسی، محدوده اختیارات درسی، شاخص‌های ارزیابی آموزشی، برنامه‌ریزی تحصیلی، دانش‌آموز انگاری، پرسش‌گری معلمان

بررسی یافته‌های این مضمون اصلی نشان می‌دهد که مدارس وابسته به نوع مدیریت و اداره‌کرد فرایندهای آموزشی آن، جهت‌گیری خاصی را در راستای تحقق‌بخشی اهداف مدنظر خود تنظیم می‌کند و این نوع چارچوب آموزشی تعریف شده برای آموزشگاه‌ها، معلمان را ملزم به پیروی از قوانین رفتاری خود می‌کند و به دلیل رویارویی ماهیت مدارس با هویتی که معلمان برای خود تعیین کرده‌اند، ممکن است در توافق برای پیاده‌سازی برنامه‌های مشخصی آنها را در تعارض با یکدیگر قرار دهد. می‌توان گفت که دغدغه اصلی معلمان در محیط‌های آموزشگاهی بر اساس نوع مدیریتی است که در مدارس در حال پیاده شدن است، به عبارتی معلمان متناسب با نوع انتظارات ترسیم شده برای

خود به ارزیابی کیفیت روند اداره‌کرد مدیران مدارس می‌پردازند و احتمالا آگاهی آنها از وجود موانع و مسائل مربوط به آن چیزی باشد که در این محیط تجربه کرده‌اند. به عبارتی استدلال مدیران مدارس از چگونگی اجرای برنامه‌ها توسط معلمان و وظایفی که در قبال معلمان بر عهده آنها دارند، منشا این تعارضات آموزشی باشد. از طرفی نوع نگاه معلمان به فعالیت‌های معلمی و این که در این محیط تا چه حد به افزایش مشارکت دانش‌آموزان در یادگیری و ارتقا تمایلات آنها به مطالعه گوش می‌کنند، مدنظر است و چالش‌های ذهنی معلمان در برخورد با فعالیت‌های پژوهانه و تحلیلی، مورد استقبال قرار می‌گیرد، به این معنا که فعالیت‌های معلمان تا چه حد در آموزش و پژوهش قابل پذیرش است و برنامه‌های مدارس در راستای ارتقا یادگیری و ارزیابی عملکرد دانش‌آموزان مورد تایید مجریان برنامه‌های درسی قرار می‌گیرد. هم‌چنین موضع‌گیری معلمان در انجام اقدامات مکمل آموزشی و استقبال آنها از برنامه‌درسی و کیفیت اجرای آنها محل مناقشه بین معلمان و مدارس است، بدین صورت که با وجود مشخص بودن اهداف برنامه‌های درسی، چگونگی اجرای آن و مفهوم‌پردازی محتوای درسی در چه شرایط و با چه امکاناتی صورت پذیرد و ماهیت برنامه‌ها تا چه حد تحت الشعاع اقدامات معلمان قرار گیرد.

نمونه‌ای از متن مصاحبه

"تو محیط مدرسه‌ات میخوان با برنامه‌ها پیش بری، انگار فقط برنامه مدرسه اولویت کاریه، کسی ازت در مورد درست بودن یا نبودش سوال نمی‌پرسه، در حالی که این قوانین برا منه، من باید بگم درست یا نه، تغییرش بدین یا اصلاح یا حذفش کنید. خب من مسئولیت کار رو پذیرفتم، پس باید حرف منو به حساب بیارین"

" احساس می‌کنم هرچند اختیار اینو دارم که مطالب را به هر نحوی آموزش بدم، ولی غیرمستقیم ازم میخوان فقط چارچوب کتاب رو در نظر بگیرم، اگه برنامه غیردرسی میخواد اجرا بشه، اطلاع میدن اجراش کن، هرچند نظرمون رو میپرسن، ولی نظر نهایی مال اوناست. اگر هم این رفتار رو دوست ندارم، چاره‌ای نیست، باید قبولش کنم."

۶. تعارض با خود

جدول شماره۶: مفاهیم استخراج شده از مضمون تعارض با خود

مضمون اصلی	مضامین فرعی	مفاهیم اولیه
تعارض با خود	هویت معلمی	کیفیت توسعه مهارت‌های معلمی، ماهیت فعالیت‌ها، میزان همکاری‌های آموزشی، گروهی یا فردی بودن فعالیت‌ها، جهت‌گیری مطالعات، کارکردهای شغلی، انگیزه آموزشی
	اخلاقیات آموزشی	تعهدکاری، میزان سخت‌گیری آموزشی، کیفیت تسهیل‌گری یادگیری، جزئی‌نگری یا کلی‌نگری در فعالیت‌ها، نوع شاخص ارزیابی عملکرد، ماهیت جنبه‌های رفتاری، تعادل رفتاری در موقعیت‌های آموزشی، مسائل انسانی
	خود تحققی	توانمندی‌ها، رشد فردی، انگیختگی شغلی، ماهیت دانش‌افزایی، اولویت‌های رشد حرفه‌ای، چالش‌های موفقیت، فلسفه رشد فردی، ابعاد رشدپذیری

بررسی یافته‌های این مضمون اصلی نشان می‌دهد که معرفت و شناخت درست از قابلیت‌ها و توانمندی‌های خود، معلمان را در مسیر درست تصمیم‌گیری‌ها و اجرای بهتر برنامه‌ها قرار می‌دهد، به عبارتی درک شایستگی‌های فردی، نوع مسئولیت‌پذیری وظایف مختلف را برای آنها آشکار می‌سازد، ولی آنچه که باعث درگیری و تعارض با خود می‌شود، عدم آگاهی و اطمینان کافی از صلاحیت‌های شخصی و تحقق تکالیف آموزشی محول شده می‌شود. بنابراین چالش ذهنی که به وجود می‌آید این است که معلمان تناسبی بین شایستگی‌ها و کارکردهای تعریف شده برای خود پیدا نمی‌کنند و به طور مستمر این دوگانگی در زندگی حرفه‌ای آنها مشاهده می‌شود. می‌توان گفت که معلمان خود تعارضی را در وهله اول در جایگاه تعیین هویت برای شغل خود می‌بینند، بدین صورت که شناخت از انگیزه‌های فردی برای فعالیت در این حرفه و جهت‌گیری نسبت به مسائل و چالش‌های آموزشی و نقش خود در پیشبرد این امورات، تاثیر و اثربخشی اقدامات را نشان می‌دهد. در واقع، معرفت نسبت به چگونگی به دست آوردن هویت معلمی و تلاش برای رسیدن به آن در راستای ترسیم این ماهیت در وجود خود، انگاره‌های مختلفی را برای معلمان متصور می‌سازد و

معلم در کشاکش این ویژگی‌ها، به دنبال شناسایی و تعیین شاخصه‌های چیستی خود است تا ماهیت معلمی را شکل دهد. از طرفی این سوال برای معلمان مطرح می‌شود که وظیفه من معلم در این جایگاه برای تسهیل فعالیت‌های درسی دانش‌آموزان چیست؟ و چه اقدامی باید برای یادگیری بهتر آنها انجام شود؟ میزان درگیری و پیگیری وظایف آموزشی تا چه حد ادامه می‌یابد و این که حس نوع‌دوستی و آینده‌نگری نسبت به منافع دانش‌آموزان و بهره‌وری آنها از این نوع آموزش‌ها ارزشمند است. هم‌چنین در مقام معلمی، رویکرد پیاده‌سازی برنامه‌ها مطابق با روحیه انسانی و معرفت از استعدادها و توانایی‌هایی که مدنظر ماست، صورت گیرد. آنچه که تعارض را در این شرایط ایجاد می‌کند، تعریف هدف‌هایی است که معلمان برای خود مشخص می‌کنند. به واقع، به دلیل موقعیت غیر پایداری که در محیط‌های آموزشی معلمان وجود دارد، هدف‌گزینی در یک دورنمای مبهم قابل مشاهده است و معلمان نمی‌توانند به توازن بین شایستگی‌ها و اهداف مورد نظر متناسب با نیازهای فردی و اجتماعی بپردازند.

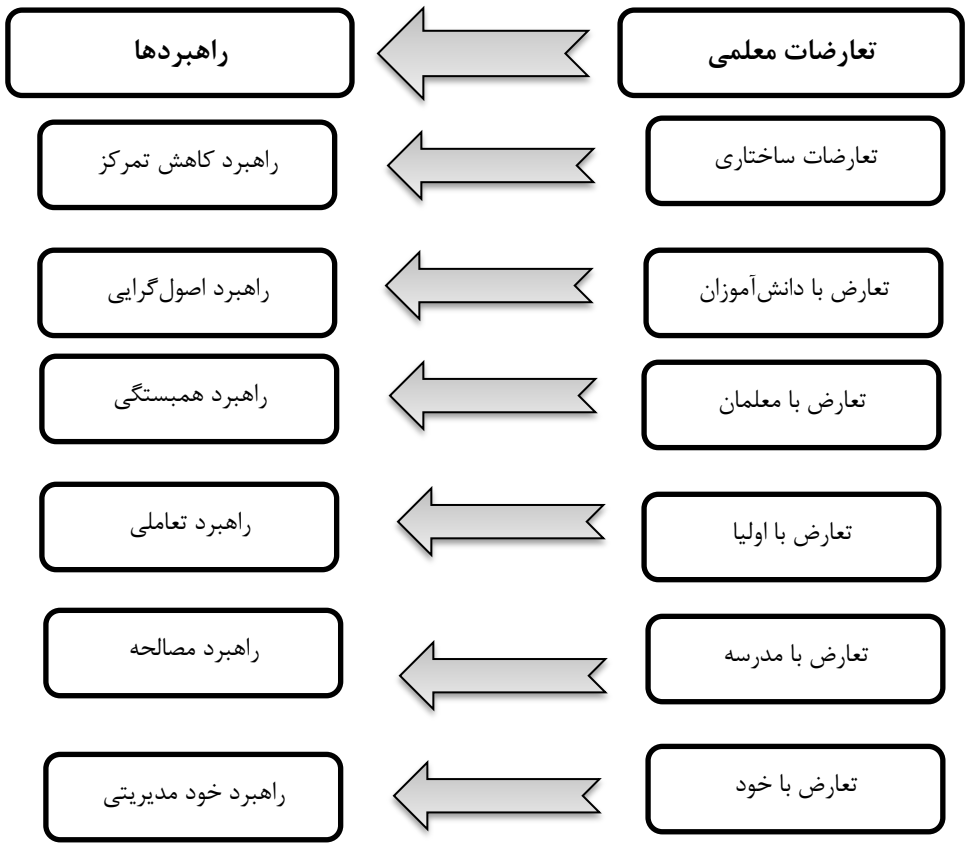
نمونه‌ای از متن مصاحبه

"این حس رو دارم که معلمی برا من چه معنایی داره، آیا حرفه خوبیه که بتونم علائقم رو دنبال بکنم و ازش لذت ببرم. احساس می‌کنم خیلی خوب این حرفه رو نمی‌شناسم و دائم دارم خودمو توجیه میکنم که باید این کارا بکنم تا از خودم راضی باشم."

" معلمی شغل بدی نیست، ولی هنوز خوب درکش نکردم، چون اگه خوب درکش کرده بودم نباید کارکردش برام دغدغه باشه همیشه برام سواله که تو این حرفه چه جوری با دانش‌آموزان برخورد کنم، یا ازشون بخوام که این طور رفتار کنند. تو این شغل دنبال خیلی از چیزا هستم ولی واقعا شک دارم که میشه با این شغل به اون چیزایی که میخوام برسم. "

سوال دوم:

۲) راهبردهای مواجهه با تعارضات معلمی در نظام آموزشی چیست؟



شکل ۱: رابطه بین تعارضات معلمی و راهبردهای حل تعارض

بررسی نمودار ۱ نشان می‌دهد که تعارضات معلمان در مدارس ماهیت مختلفی دارد، بنابراین باید متناسب با ماهیت این تعارضات از راهبردهای مختلفی استفاده کرد. می‌توان گفت که در حل تعارضات با توجه به ویژگی آنها، برخی از راهبردها وضعیت شاخصی در رفع این معضلات دارد، بدین معنا که در حل تعارض ساختاری استفاده از راهبرد کاهش تمرکز به دلیل فراهم شدن فضایی برای برجسته‌سازی تصمیمات معلمان، نقش مهمی دارد و کاربرد راه‌حل‌های دیگر تحت‌الشعاع آن قرار می‌گیرد، چرا که در این راهبرد با تاکید بر اصل تحول‌پذیری در فرایند تصمیم‌گیری‌ها و پر رنگ کردن نقش سطوح اجرایی در برنامه‌های آموزشی، می‌توان درگیری‌های درون ساختاری را رفع کرده و فرصت کارآمدتر کردن اندیشه‌ها و تفکرات معلمان را فراهم نمود.

نمونه‌ای از متن مصاحبه

"فضای مدارس بیش‌تر به سمت تشریح ایده‌های برنامه‌ریزی شده حرکت می‌کنه و فرصتی برای انتخاب شخصی معلم نمیذاره. آنچه که مشخصه اینه که معلم باید از خط‌مشی مشخصی پیروی کنه، وگرنه نمی‌تونه خودش به تنهایی تصمیم‌گیر باشه."

"حالت بیهودگی واقعا تو رفتار برخی از معلمان مشهوده. نمیشه گفت که همه چی فقط دست یه عده خاص باشه و منم این جا فقط مجری باشم و حتی اگه اون قابلیت رو دارم نباید خلاف برنامه آموزشی حرکت کنم، این کار غیر منطقیه."

در راستای حل تعارض با دانش‌آموزان آنچه که می‌تواند مدنظر قرار گیرد نقش رهبری معلمان در کنار دانش مدیریتی آنها برای هدایت امورات آموزشی است، بدان معنا که معلمان با داشتن قدرت نفوذ در جهت‌دهی عملکرد دانش‌آموزان، چارچوب رفتاری و نوع و محدوده واکنش‌هایی را که در کلاس درس باید صورت گیرد از طریق مشخص کردن اصول آموزشی و توجیه و تبیین آنها انجام دهند. در این راستا پذیرش و نهادینه کردن این اصول برای دانش‌آموزان با توجه به رهبری معلمان مبتنی بر تعهد و تکلیف آموزشی است که بر عهده آنها نهاده شده است و دانش‌آموزان رشد و تعالی تحصیلی خود را بر اساس این شاخص‌ها مورد ارزیابی قرار می‌دهند. بنابراین آنچه که می‌تواند اثربخشی راه‌حل‌ها را تسریع نماید، ارزش‌مند تلقی کردن معیارهای رفتاری است که نشات گرفته از فرایند هدایت‌گونه و سازگارانه معلمان است.

نمونه‌ای از متن مصاحبه

"دانش‌آموزان سعی می‌کنن از برخی رفتارهای من معلم انتقاد کنن، نمیگم درست نیست ولی این معلمه که سعی می‌کنه تمام تلاش‌شو برای بهتر شدن شرایط کلاسی انجام بده و فضای کلاسو به سمت درگیری بیش‌تر شناختی تو مطالب درسی ببره."

"قدرت من معلم تو کلاس تعیین کننده‌ست. خب دانش‌آموزان سعی می‌کنن معلم بهتری تو کلاس‌شون حاضر باشه و انتظارات زیادی از نحوه آموزش و برخورد من با خودشون دارن. ولی بازم میگم من باید انتخاب کنم که روند آموزش و رفتار و نظم کلاس به چه نحوی باشه نه دانش‌آموزان."

در راستای حل تعارضات معلمان با همکاران هم صنف خود آنچه که اهمیت دارد استفاده از راهبرد همبستگی است که در آن با تعریف جهت‌گیری‌های همسو و غیر همسو، نقاط اشتراک آنها مبنای فعالیت‌های معلمان قرار می‌گیرد. به عبارتی در فعالیت‌های معلمان و اندیشه‌های آنها وجود تعارض اجتناب‌ناپذیر است، بنابراین کشمکش بین معلمان ضامن رشد و ارتقا عملکرد آنها محسوب می‌شود. در این شرایط آنچه اهمیت دارد همبستگی و قابل درک بودن رسالت نظام آموزشی و اسناد تدوین شده آنهاست که دستیابی به آنها از راه‌حل‌های مختلف با وجود تعارضات موجود، می‌تواند تغییردهنده و نوآور باشد.

نمونه‌ای از متن مصاحبه

"واقعا دوست دارم جو مثبتی تو مدرسه بین من و همکارام باشه، کسی منکر این نیست، ولی خب هر کسی یه روحیه خاصی داره، ویژگی های من به عنوان یه معلم حتما با بقیه فرق می کنه. خب دوست ندارم حتما همیشه نظر دیگران تو کار من دخالت داشته باشه"

"بحث می‌کنیم، نظر میدیم ولی تصمیم‌گیرنده تو کارم خودم هستم، نه دیدگاه‌های دیگران. برخی‌ها سعی می‌کنن نظرشونو تحمیل کنن، ولی با توجه به تجربه کاری خودم ترجیح میدم مستقل عمل کنم، هر چند این استقلال من به مذاق برخی دوستان خوش نمیاد."

در رابطه با راه‌حل ارائه شده برای تعارض با اولیا باید گفت که مهم‌ترین فعالیت در این زمینه ایجاد ارتباط مستمر و مداوم با والدین دانش‌آموزان است تا با گفتگوی بیش‌تر با هم، شرایط محیط‌های آموزشی و الزامات آن و هم‌چنین تکالیف و وظایفی که بر عهده والدین است را تشریح کرد. در واقع، با ایجاد تعامل مستمر با والدین، می‌توان نقش معلمان و ابعاد کاری آنها را برای اولیا توضیح داد و قابلیت‌ها و توانایی‌های معلمان را مشخص کرد تا انتظارات واقعی در آنها به وجود آید. در این موقعیت، زمینه برای شناخت مسئولیت‌های متقابل را فراهم می‌شود. بنابراین وجود تعارضات بین معلمان و اولیا بستری برای رشد و تعالی کارکردهای آموزشی تلقی می‌شود که در یک چرخه مستمر ارتباطی به خود اصلاح‌گری رفتارهای نادرست و بهبود عملکرد می‌پردازد.

نمونه‌ای از متن مصاحبه

"خیلی از والدین سعی می‌کنن فقط نظر اونا را تو آموزش بچه‌هاشون مهم بدونم، منم سعی می‌کنم تا اونجایی که امکان داره از نظرات‌شون استفاده کنم، خب به هر حال فرزندان شونو بیش‌تر میشناسن، ولی نمی‌تونم اجازه بدم برا من تصمیم بگیرن."

"خواسته اولیا یکی از مطالبات اصلی تو آموزشه. منم قبول دارم. اونا هم هی این حرفا رو میزنن ولی در کنار نظرات اغلب درستی که میگن، برداشت خودم از اون حرفا برا من مهمه، چرا که می‌تونه کمک کننده باشه."

با وجود تعارضات مختلف در آموزشگاه‌ها، راهبرد مصالحه را می‌توان برای توسعه روابط معلمان با مدارس و کارگزاران آن اجرایی کرد. در واقع، تعارضات در مدارس به تدریج منجر به تحرک سازمانی و فعالیت‌های آن می‌شود، ولی در راستای پیش‌بینی و برآورد منافع تمامی افراد، باید به تبیین و شفاف‌سازی واقعیت‌های آموزشی پرداخت تا ضمن در کنار هم قرار گرفتن ذینفعان با اهداف مختلف، زمینه تحقق آنها را بدون حذف یکدیگر فراهم کرد. در حقیقت این راهبرد در درجه اول شرایط را برای حفظ هویت حرفه‌ای معلمان فراهم کرده و فرصت بسط و گسترش ایده‌های آموزشی آنها در یک موقعیت اشتراکی را فراهم می‌آورد و معلمان می‌توانند با ضمانت اجرایی برآمده از مصالحه و اشتراک منافع، موفقیت خود تضمین نمایند.

نمونه‌ای از متن مصاحبه

"فشار مدرسه برای این که این کار رو بکنم یا اون کار رو، مشهوده. منم سعی می‌کنم از زاویه درستی به شون نگاه کنم. ولی خب همیشه نظر مدرسه درباره نحوه برخورد با دانش‌آموزان، آموزش و غیره نمی‌تونه درست باشه. می‌خوام فهم بهتری داشته باشم، منتها با انتخاب خودم نه مدیر و بقیه افراد."

"تجربه کاریم میگه که حرف درست رو باید شنید، خوبه، اما باید برم به سمت اون چیزی که برا من معلم هم قابل درک باشه. تضاد و برخورد شناختی زیاده تو مدرسه، ولی میشه به نفع خودت استفاده کنی و همیشه تابع اونا نباشی."

آنچه در ارتباط با حل خود تعارضی معلمان اهمیت دارد، شناخت قابلیت‌ها و استعدادهای شخصی است تا مطابق با شرایط محیط های یادگیری به مدیریت و هدایت رفتارهای آموزشی بپردازند. به عبارتی، معلمان با حس داشتن توانمندی‌های متنوع که برآمده از آگاهی آنها از میزان اثربخشی و کارایی‌شان است، این نیروی فطری را با تصور رفع مسائل آموزشی، مهم تلقی می کنند تا اهداف منطقی و قابل تحققی را برای خود تعریف نمایند و انتظار دستیابی به مقاصد را در یک توازن شناختی مربوط به شایستگی‌ها، شرایط و امکانات آموزشی مشاهده نمایند. در حقیقت، حل تعارضات شخصی با توجه به شناخت رفتار، محیط و تاثیرات متقابل آنها در یک ساختار مداوم صورت می‌گیرد که در آن معلمان قدرت سازگاری و انعطاف با چالش‌های فردی را داشته باشند و بتوانند مناسب‌ترین نوع برداشت و تحلیل از شخصت معلمی خود را انجام دهند. به طور کلی در ارتباط با حل تعارضات معلمی می‌توان گفت که معلمان با تعارضات مختلفی در محیط های آموزشی روبرو می‌شوند ولی وجود این تعارضات دلیل بر نبود شرایط رشد و پرورش قابلیت‌های معلمان نیست و چه بسا بسیاری از این تعارضات بستری برای پویایی و تحرک فعالیت‌های آنها محسوب می‌شود.

نمونه‌ای از متن مصاحبه

"دوست دارم کارامو با برنامه پیش ببرم و حس منظم بودن رو همیشه داشته باشم. شاید هم موفق باشم شاید هم نه. ولی انرژی مو اغلب جمع می‌کنم تا تاثیرگذاریم تو کارا دیده بشه. ولی خب نیازها و اهداف شخصی مدام دغدغم میشه، کدوم کارو بکنم؟، خوبه یا بده؟"

"درگیری‌های ذهنی اون فرصت طلایی رو تو هرکاری تحت تاثیر قرار میده و منو میبره به سمت چیزایی که ممکنه در موقعیت‌های دیگه برام منطقی نباشه. بنابراین به جد دنبال فهم خودم، نیازام و خوشحالی خودم هستم."

بنابراین کاربرد راهبردهای مختلف در حل انواع تعارضات می‌تواند پیامدهای مطلوبی به دنبال داشته باشد. در واقع تلاش‌های معلمان در جهت رفع و حذف برخی از آنها ممکن است به دلیل به وجود آوردن موانع در راه پیشرفت باشد. ولی برخی از این تعارضات ماهیتی دارندکه وجود آنها باعث آگاهی و انتخاب مسیر درست برای اقدامات آموزشی می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که تعارضات معلمی در یک نظام کنش متقابلی قرار می‌گیرد که تاثیر آنها بر یکدیگر منجر به موقع رویدادهای مثبت و منفی در راستای پیشرفت در حرفه معلمی می‌شود. در نتیجه شناخت نوع ارتباط این تعارضات در نظام آموزشی و تاثیر آنها بر فعالیت‌های مختلف می‌تواند محوری برای مدیریت و هدایت آنها تلقی شود و بسته به شرایط موجود، نوع ارائه راه حل نیز متفاوت بوده و راهبردها نیز جنبه حمایتی یا تدافعی و اجتنابی داشته باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

حمایت بهینه معلمان از مخاطبان آموزشی خود با فراهم بودن شرایط و فرصت‌های پیش‌بینی شده به دست می‌آید و وجود موانع و مسائل در فضای مدارس و نیز حاکمیت آموزشی در چارچوب وزارت آموزش و پرورش سرعت دستیابی به این اهداف را کاهش می‌دهد. در پژوهش حاضر نیز پژوهشگر به دنبال شناسایی ماهیت تعارضات معلمی در محیط‌های آموزشگاهی است تا با تبیین بهتر جنبه‌ها و ویژگی‌های مختلف آن، زمینه دستیابی به راه‌حل این تعارضات را شناسایی کرده و در موقعیت‌های واقعی خود به کار گیرد. این تعارضات عبارتند از:

۱.تعارضات ساختاری: یافته‌های این نوع تعارض نشان می‌دهد که مستقل بودن بر مبنای اهداف شخصی در جایگاه معلمی و ایفای نقش مربوط جز تعارضات اصلی معلمان محسوب می‌شود. همسو با این یافته‌ها، نتایج پژوهش علی اکبری و سعیدی (۲۰۲۲) بیانگر این است که فضای حاکم بر نظام‌های آموزشی و انتظارات در راستای برآورد اهداف آن، دغدغه‌ای است که تحقق آرمان‌های شخصی معلمان را با چالش مواجه می‌کند. می‌توان گفت که بهینه‌سازی روند دخالت معلمان در ساختار آموزشی و بهروری از تجارب آموزشی ارزشمند آنها باید در راستای اجرای زیر نظام برنامه‌درسی سند تحول بنیادین با ماهیت برنامه‌درسی ملی صورت گیرد. در این راستا با تاکید بر طرح‌های اجرایی موجود در وزارت آوزش و پرورش مانند طرح بوم(برنامه ویژه مدرسه)، عوامل تصمیم‌گیرنده نیروی انسانی در سطوح آموزشگاه‌ها با تعریف اهداف مدارس و تلفیق آن با ایده‌ها و انگیزه‌های گروه‌های آموزشی متشکل از معلمان، مدیران و سایر ذینفعان، زمینه دخالت موثر خود را در پیاده‌سازی ایده‌های نوآورانه فراهم می‌آورند.

۲. تعارض با دانش‌آموزان: یافته‌های این مضمون اصلی نشان می‌دهد که تعارضات معلمان با دانش‌آموزان نحوه اجرای برنامه‌های درسی و استانداردکیفیت دستیابی به آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بر اساس نتایج پژوهش خالد، هازایمه و مونتایر (۲۰۲۲) مشارکت‌پذیری دانش‌آموزان در فرایند آموزش و نیز نتایج مطالعه فریره و همکاران[1](۲۰۲۰) چگونگی ارتقا کیفیت مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان و توسعه رفتارهای برون‌گرایانه محل تعارض معلمان با فراگیران است. می‌توان گفت که در راستای کاهش یا رفع تعارضات معلمان با دانش‌آموزان، معلمان باید از طریق رویکرد خودفهمی آموزشی، مسائل و چالش‌های محیط مدارس را به طور شفاف درک کنند. هم‌چنین باید با تحلیل چند بعدی از شخصیت دانش‌آموزان، زمینه شناخت بیش‌تر از مخاطبان آموزشی و نیازهای آنها را فراهم کرد، بدین

[1] Freire et al

معنا که با اجرای نیازسنجی جمعی از علائق و انگیزه‌های آنها در قالب بحث و گفتگو، چشم‌انداز برنامه‌ها و کیفیت واکنش‌هایی که لازمه موقعیت‌های موجود است، برآورد کرد.

۳. تعارض با معلمان: یافته‌های این بعد از تعارض بر ابعاد سه گانه فرهنگی، دانشی و عملکردی معلمان در تعارض با دیگر معلمان تاکید دارد. همسو با این یافته‌ها، نتایج پژوهش مشعشعی، کهندل و حلاجی (۱۴۰۱) نشان می‌دهد که تعارض معلمان با همکاران یک ویژگی غیر قابل انکار در محیط‌های آموزشی است، که می‌تواند با ایجاد رابطه مثبت و قدرتمند در این تعارضات، منجر به پویایی این تضادها شود. می‌توان گفت که برای دستیابی به یک جهت‌گیری کلی در ساختار نظام آموزشی باید به تبیین گفتمان معلمی در موقعیت‌های آموزشگاهی پرداخت. هم‌چنین باید جهت‌گیری‌آموزشی و تربیتی حرفه معلمی شفاف‌سازی شود تا متناسب با آن انتظارات و مسئولیت‌های معلمان مشخص شود و ذینفعان در یک محدوده نظری و عملی به فعالیت بپردازند، بدین صورت که با ترسیم فضای کنشگری متقابل بین معلمان و مشخص کردن دغدغه‌های آنها، شرایط را برای جلب عقاید آنها فراهم کرد.

۴.تعارض با اولیا: یافته‌های این مولفه نشان می‌دهد که تعارض اصلی معلمان با والدین نوع نگاه متفاوت آنها در ارائه تکالیف درسی و نوع آموزش‌گری معلمان است. در این راستا یافته‌های مطالعه فرولوا و همکاران (۲۰۱۹) بر میزان همکاری و ارتباط معلمان با والدین دانش‌آموزان، نتایج لاساتر[1] (۲۰۱۶) برچالش برانگیز بودن والدین و عدم آموزش حرفه‌ای معلمان و نیز یافته‌های مطالعه کریم‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) بر امور تحصیلی و رفتار آموزشی دانش‌آموزان به عنوان دغدغه بین والدین و معلمان تاکید دارد. می‌توان گفت که برای کاهش سطح تعارضات با اولیا می‌توان از فرایند بازخوردپذیری استفاده کرد، بدین صورت که با تعیین ابعاد سطوح عملکردی سه‌گانه معلمان، دانش‌آموزان و اولیا، زمینه تعامل متقابل معلمان و والدین را به صورت مستمر فراهم کرد تا با آگاهی از کیفیت رویدادهای آموزشی، به رفع تضاد موجود بپردازند.

۵.تعارض با مدرسه: مطابق با یافته‌های این مولفه تضاد نسبی معلمان با مدارس ناشی از روش‌های مدیریتی مدارس، نوع اجرای برنامه‌های درسی مختلف و فرهنگی آنهاست. همسو با این یافته‌ها، نتایج مطالعه مختارخان (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که تعارض معلمان در مدارس شامل عوامل مدیریتی، فرایندهای سازمانی و موقعیت فیزیکی و محیط کار نهادهای آموزشی می‌شود. می‌توان گفت که برای انطباق‌پذیری بیش‌تر معلمان با اهداف و خط‌مشی مدارس، باید به ایجاد یک رویکرد مدیریت مشارکتی در آموزش در سطح مدارس اقدام نمود، بدین صورت که معلمان با مشارکت در بخش‌های مختلف تصمیم‌گیری مدارس، نقش فعالی داشته باشند. در این راستا به اجرای راهبرد مدرسه‌محوری با توجه به نقش هر یک از عوامل آموزشی در اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها مانند طرح تدبیر و تعالی اقدام نمود که در آن متناسب با قابلیت‌های معلمان، سطح انتظارات از آنها را مشخص کرد.

۶. تعارض با خود: یافته‌های این شاخص هم بیانگر این است که خود تعارضی معلمان در نظام آموزشی وابسته به هویتی است که در حرفه معلمی برای خود تعریف می‌کنند. نتایج پژوهش هاتنر و همکاران (۲۰۲۲) بر انتخاب مقاصد آموزشی، و نتایج مطالعه باباجید و اسمیت (۲۰۲۲) بر بی‌انگیزگی در فعالیت‌های درسی به عنوان تعارض فردی برای معلمان تاکید دارد. می‌توان گفت که با استفاده از راهبرد خودمعلم‌نگری، ذهنیت و نگرشی را که درباره معلم شدن از خود وجود دارد، تشریح کرده و الزاماتی که از این حرفه مورد انتظار است را تبیین کرد و به تناسب نوع برداشت از این شغل، اهداف آموزشی و حرفه‌ای را با توجه به اصول معتقد به آن، مشخص کرد.

به طور کلی می‌توان گفت که با به رسمیت شناختن انواع تعارضات معلمان در محیط‌های آموزشی، شرایط برای برجسته‌تر کردن دلایل وجودی آنها فراهم شده و زمینه‌ها و بسترهایی که موجب ایجاد این چنین چالش‌هایی می‌شود، مورد کنکاش و بررسی قرار می‌گیرد تا مزایا و معایب هر کدام از این تعارضات مشخص شود و متناسب با نوع تاثیرگذاری آنها در روند فعالیت‌های آموزشی، نسبت به مدیریت و هدایت کنش‌های تعارض‌گونه اقدام شود تا ماهیت پویای این تعارضات منجر به توسعه و رشد کیفیت کارکردهای معلمان شود.

[1] Lasater

بر اساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهادات پژوهشی عبارتند از: - پیشنهاد می‌شود پژوهشی درباره نقش تعارضات معلمی در پویاسازی کارکردهای حرفه‌ای صورت گیرد. – پژوهشی درباره طراحی الگوی آموزشی تعارض‌گریز معلمان در مدارس صورت گیرد. -پژوهشی درباره تاثیر تعارضات آموزشی بر فرایند شکل‌گیری هویت معلمی انجام شود. - پژوهشی در رابطه با تبیین ماهیت ساختار نظام آموزشی در ایجاد تعارضات آموزشی در بین معلمان صورت گیرد. - پژوهشی در ارتباط با کیفیت مدیریت کلاسی بر چگونگی ایجاد تعارضات بین معلمان و دانش‌آموزان انجام شود. - پژوهشی درباره بررسی ابعاد فعالیت‌های معلمان در کاهش تعارضات آموزشی با والدین صورت گیرد. هم‌چنین پیشنهادات کاربردی عبارتند از: - تاثیرات جنبه‌های مختلف تعارضات معلمان در محیط‌های آموزشی مورد توجه قرار گیرد. – همکاری و مساعدت والدین به عنوان یک رویکرد حمایتی در آموزش محور تصمیم‌گیری‌های معلمان تلقی شود. – مدیران مدارس در اجرای فعالیت‌های آموزشگاهی بر قابلیت‌های فردی معلمان در غنی‌سازی امورات آموزشی تاکید نمایند. - نسبت به تعریف هویت معلمی از طریق کارکردهای این حرفه به صورت شفاف اقدام شود. -توسعه گروه‌های علمی معلمان در بسط و توسعه دیدگاه‌های معلمان مورد تاکید قرار گیرد.

مشارکت نویسندگان

طراحی موضوع، بیان مساله، یافته‌ها و بحث و نتیجه‌گیری در این پژوهش توسط رضا معصومی نژاد انجام گرفته است. در زمینه جمع‌آوری داده‌ها نیز از مساعدت‌های همکاران محترم زهرا بابائی و رضوان سید رضائی استفاده شده است.

تشکر و قدردانی

از تمامی همکاران محترم که در این پژوهش همکاری داشتند تشکر و قدردانی می‌شود.

تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»

منابع

سرمد، زهره، بازرگان، عباس و حجازی، الهه(۱۳۹۶). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: آگاه.

کریم زاده، عنایت، نوروزی، مهدیه، خیری نیا، حسینعلی و ظفری نژاد، عادل (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین مشارکت والدین درباره پیشرفت تحصیلی دانش آموزان(دختران) در پایه اول ابتدایی. *مطالعات پیش دبستان و دبستان*، (۱۱)۳، ۹۶-۷۷.

مختارخان، اعظم (۱۳۹۹). بررسی عوامل موثر بر آسیب پذیری روانی در معلمان مدارس مقطع متوسطه دوره اول منطقه ۲۰ تهران. *پژوهش های کاربردی در مشاوره*، (۱۱)۳، ۶۶-۳۹.

مشعشعی، سیده پریسا، کهندل، مهدی و حلاجی، محسن (۱۴۰۱). بررسی عوامل موثر بر مولفه های تعارض پویای معلمین. *علوم پزشکی رازی*، (۷)۲۹، ۱۸۸-۱۷۹.

References

Acar, A. , & Yucel Toy, B. (2022). Economic and Political Analysis of Initial Teacher Education from Consensus and Conflict Perspectives in Documents of International Institutions. *International Journal of Curriculum and Instructional Studies*, 12(1), 113-146.

Aliakbari, M., & Saeedi, M. (2022). Voicing the Current Challenges Faced by EFL Teachers: The Case of Iranian Junior and High School. *MEXTESOL Journal*, 46(2), 1-11.

Babajide, O. P., & Smith, C. (2022). Teachers' Challenges in the Introduction and Implementation of Systemic Change in the Nigerian Primary School System. *SAGE Open*, 12(2), 1-11.

Catana, L. (2015). *Conflicts between Teachers: Causes and Effects*. Conference: Central and Eastern European Conference "New Approaches in Social and Humanistic Sciences". Chisinau, Republic of Moldova.

Claessens, L. C., van Tartwijk, J., van der Want, A. C., Pennings, H. J. M., Verloop, N., den Brok, P. J., & Wubbels, T.(2017). Positive teacher–student relationships go beyond the classroom, problematic ones stay inside. *The Journal of Educational Research*, 110(5), 478-493.

Dogan, S. (2016). Conflicts management model in school: A mixed design study. *Journal of Education and Learning*, 5(2), 200-219.

European Commission. (2017). *Preparing teachers for diversity: The role of initial teacher education*. Executive summary of the final report to DG education, youth, sport and culture of the European commission.

Freire, S., Pipa, J., Aguiar, C.,Vaz da Silva, F., & Moreira, S.(2020). Student-Teacher Closeness and Conflict in Students with and without Special Educational Needs. *British Educational Research Journal*, 46(3), 480-499.

Frolova, E. V., Rogach, O. V., Ryabova, T. M., & Zuykina, A. V. (2019). Factors of Conflict in the Educational Environment of the Modern School. *European Journal of Contemporary Education*, 8(3), 513-523.

Garcia-Moya, I., Brooks, F., & Moreno, C. (2019). Humanizing and conducive to learning: An adolescent students' perspective on the central attributes of positive relationships with teachers. *European Journal of Psychology of Education*. Advance online publication.

Ghaffar, A. (2019). *Conflict in Schools: Its Causes & Management Strategies*. AWK University.

Hakvoort, I., Larsson, K., & Lundstrom, A. (2020). Teachers' Understandings of Emerging Conflicts. *Scandinavian Journal of Educational Research*, 64(1), 37-51.

Harell, K. F.(2020). The Value of Conflict and Disagreement in Democratic Teacher Education. *Democracy & Education*, 28(1), 1-8.

Hutner, T. L., Sampson, V., Chu, L., Baze, C. L., & Crawford, R. H. (2022). A Case Study of Science Teachers' Goal Conflicts Arising When Integrating Engineering into Science Classes. *Science Education*, 106(1), 88-118.

Karimzadeh, E., Nowruzi, M., Kheyrinia, M., & Zafarinejad, Z. (2018). Parental Involvement Study on Female Students' Education Status at First Grade. *Preschool and Elementary Studies*, 3(11), 77-96. [in Persian]

Khaled, A., Hazaymeh, W. A., & Montierre, M. E. (2022). Challenges of Online Education for Teachers and Parents in the Emirati School System. *European Journal of Educational Research*, 11(4), 2345-2355.

Lasater, K. (2016). Parent–Teacher Conflict Related to Student Abilities: The Impact on Students and the Family–School Partnership. *School Community Journal*, 26(2), 237-262.

Longobardi, C., Ferrigno, S., Gullotta, G., Jungert, T., Thornberg, R., & Marengo, D. (2022). The Links between Students' Relationships with Teachers, Likeability among Peers, and Bullying Victimization: The Intervening Role of Teacher Responsiveness. *European Journal of Psychology of Education*, 37(2), 489-506.

Karimova, L. (2015). Prevention of interpersonal conflicts in teenagers' environment. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 191, 1843-1847.

Magen-Nagar, N., & Steinberger, P. (2022). Developing Teachers' Professional Identity through Conflict Simulations.*Teaching Education*, 33(1), 102-122.

Mokhtarkhan, A. (2021). Master of Educational Management, Islamic Azad University, Imam Khomeini Memorial Branch, Shahreri, Shahreri, Iran. *Applied Research In Counseling*, 3(11), 39-66. [in Persian]

Moshashaie S. P., Kohandel, M., & Hallajy, M. (2022). Investigating the Factors Affecting the Dynamic Conflict Components of Teachers. *Razi Journal of Medical Sciences*,29 (7),179-188. [in Persian]

Mintrop, R., Zumpe, E., Jackson, K., Nucci, D., & Norman, J.(2022). *Designing for Deeper Learning: Challenges in Schools and School Districts Serving Communities Disadvantaged by the Educational System*. Carnegie Foundation for the Advancement of Teaching.

Molla, Y., Berhanu, E., & Demissie, D. (2019). Conflict Management and Its Impact on Teachers' Performance of Secondary Schools of Wolaita and Dawro Zones, South Ethiopia. *Journal of Education and Practice*, 10(13), 6-19.

Olubunmi, A. (2014). School management assessment of teachers in secondary schools in Ondo State, Nigeria. *Journal of Education & Practice*, 5(6), 124-128.

Ramani, K., & Zhimin, L. (2010). A survey on conflict resolution mechanisms in public secondary schools: A case of Nairobi province, Kenya. *Educational Research and Reviews*, 5(5), 242-256.

Sarmad, Z., Bazargan, A., & Hijazi, E. (2017). *Research methods in behavioral sciences*. Tehran: Aghaz. [in Persian]

Skordoulis, M., Liagkis, M.K., Sidiropoulos, G., & Drosos, D.(2020). Emotional Intelligence and Workplace Conflict Resolution: The Case of Secondary Education Teachers in Greece. *International Journal of Research in Education and Science*, 6(4), 521-533.

Smith, J. A., Flowers, P., & Larkin, M. (2009). *Interpretative Phenomenological Analysis: Theory, Method, Research*. London: Sage.

Valente, S., Lourenco, A. A., & Nemeth, Z. (2020). School Conflicts: Causes and Management Strategies in Classroom Relationships. *Interpersonal Relationships*, 6,1-12.